

دوفصلنامه علمی- تخصصی «پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه»

شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹: ۲۹-۵۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۹/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۲۳

رابطه هویت قومی و سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان

* حمیدرضا سعیدی‌نژاد

** سعید آریاپوران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه هویت قومی و سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان است. به همین منظور ۴۱۲ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت شناختی، مقیاس‌های هویت قومی و سنخیت فرهنگی و پرسشنامه سلسله مراتب ارزش‌ها را تکمیل نمودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون، رگرسیون و مانوا استفاده شد. نتایج نشان داد که بین هویت قومی ($F=0/453$)، جست‌وجوی هویت قومی ($F=0/403$)، تعهد و تعلق به گروه قومی ($F=0/388$) و سنخیت فرهنگی ($F=0/385$) با ارزش‌های سیاسی و بین هویت قومی ($F=0/317$)، جست‌وجوی هویت قومی ($F=0/294$)، تعهد و تعلق به گروه قومی ($F=0/301$) و سنخیت فرهنگی ($F=0/382$) با ارزش‌های اجتماعی دانشجویان رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. نتایج رگرسیون نشان داد که هویت قومی و سنخیت فرهنگی ۲۵ درصد واریانس ارزش‌های سیاسی و ۱۷ درصد واریانس ارزش‌های اجتماعی را تبیین نموده است. نتایج مانوا نشان داد که میانگین ارزش‌های سیاسی و اجتماعی در دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر بوده است ($p < 0/05$). اما میانگین هویت قومی و سنخیت فرهنگی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار نداشت. بر اساس نتایج، پیشنهاد می‌شود که به نقش مثبت هویت قومی و سنخیت فرهنگی توجه شود تا از شکل‌گیری ارزش‌های سیاسی و اجتماعی منفی در دانشجویان پیشگیری کرد.

واژه‌های کلیدی: هویت قومی، سنخیت فرهنگی، ارزش‌های سیاسی، ارزش‌های اجتماعی، دانشجویان.

مقدمه

ارزش‌ها مجموعه قضاوت‌های یک گروه اجتماعی است که جهان را به مقولات مطلوب و نامطلوب تقسیم می‌کند و غالباً جزء بنیادین نظام فرهنگی محسوب می‌شود. ارزش‌جویی است که با آن فرد به محیط پاسخ می‌دهد. ارزش‌ها نشان‌دهنده آموخته‌های هر فرد است و در واقع به زندگی افراد جهت و معنا می‌بخشد. جریان رشد ارزش‌ها در واقع درونی کردن ارزش‌های یک جامعه است که از طریق عوامل مهمی از جمله والدین و مربیان و نهادهای اجتماعی مانند خانواده و مدرسه آموخته می‌شود (آلپورت^۱، ۱۹۶۷: ۲۴ به نقل از سعیدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۷). ارزش‌ها از نگرش‌ها ناشی می‌شوند، به نیازها شبیه هستند و رفتارهای هدفمند را به وجود می‌آورند (فیدر^۲، ۱۹۹۵: ۱۱۳۶). روکاچ^۳ (۱۹۶۸: ۱۱) بیان می‌کند که ارزش‌ها بر موقعیت‌ها برتری دارند و ارزیابی فرد را از موقعیت‌ها و افراد هدایت می‌کنند، در حالی که بر اهداف کوتاه مدت و درازمدت او تأثیر دارند (فیدر، ۱۹۹۵: ۱۱۳۵). بر اساس نظر دریزک و برایت‌وایت^۴ (۲۰۰۰: ۲۵۲) افراد ارزش‌هایی را درونی می‌کنند که رفتارهای آنان را هدایت و فعالیت‌های آنان را تعدیل می‌کند. در واقع از نظر آنان ارزش‌ها نشان‌دهنده مصالحه بین نیازهای خود و جامعه در افراد اجتماعی هستند (دریزک و برایت‌وایت، ۲۰۰۰: ۲۵۲) و اغلب موجب شکل‌گیری نگرش‌ها می‌شوند (برایت‌وایت، ۱۹۹۸: ۲۲۵).

از جمله مهمترین ارزش‌ها، ارزش‌های سیاسی و اجتماعی است. بر اساس نظر آلپورت (۱۹۶۷: ۲۴ به نقل از سعیدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۷) کسی که دارای ارزش سیاسی است علاقه به قدرت و کنترل کردن دیگران دارد و دارای خصوصیتی از جمله نفوذپذیری، اقتدار و آوازه و شهرت است و کسی که دارای ارزش اجتماعی است، علاقه به مردم، همدردی و خدمت‌رسانی به آنان را دارد و فردی مهربان، یاری‌دهنده و متواضع است. برخی از متغیرها، از جمله جهت‌گیری مذهبی، از خودبیگانگی و جنسیت می‌توانند ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان را تحت تأثیر قرار دهند که در برخی از پژوهش‌های داخلی به اثبات رسیده است (نواختی مقدم و نریمانی، ۱۳۸۵: ۱؛ کرمانی، ۱۳۷۳: ۲؛ سعیدی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱).

از جمله متغیرهایی که می‌تواند با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان رابطه داشته باشد، هویت قومی^۵ و سنخیت فرهنگی^۶ است. هویت قومی به عنوان احساس تعلق به یک گروه قومی است که بخشی از تفکرات، استنباط و احساسات رفتاری است که ناشی از عضویت در یک

1. Alport
2. Feather
3. Rokeach
4. Dryzek and Braithwaite
5. ethnic identity
6. cultural congruity

رابطه هویت قومی و سنخیت فرهنگی با ارزش‌های ... / ۳۱

گروه قومی است (روتراام و فینی^۱، ۱۹۸۷: ۱۳). بر اساس نظر فینی (۱۹۹۲: ۱۵۷)، سه عنصر کلیدی در هویت قومی وجود دارد که عبارت‌اند از: (۱) شناسایی خود^۲ یا عنوانی که شخص برای خودش به کار می‌برد (۲) احساس تعلق^۳ که غرور قومی، احساسات مثبت در زمینه پیشینه قومی و احساسات تعلق و دلبستگی گروهی را تعیین می‌کند و (۳) نگرش به سمت گروه خودی^۴. افرادی که هویت قومی بالایی دارند، اختیارات و تعهداتشان نسبت به یک هویت قومی را جست‌وجو می‌کنند (اونتای-گرزیبیک و رافائلی^۵، ۲۰۰۴: ۵۶۱). بر همین اساس، آنها اعضای گروه خود را می‌شناسند، ارزیابی‌های مثبت را از گروه‌شان تصدیق کرده، احساس خوبی راجع به عضویتشان در گروه داشته و سنت‌های قومی را اجرا می‌کنند. در مقابل، افرادی با هویت قومی ضعیف بیان می‌دارند که توجه اندکی به هویت دارند، ارزیابی‌های منفی از گروه، را تصدیق کرده و از عضویتشان در گروه، احساس خوبی ندارند و فاقد اطلاعات راجع به تعهدات و گرفتاری‌های گروه خویش هستند (فینی، ۱۹۹۱: ۱۹۵).

در بعد ارتباط، هویت قومی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی پژوهش منسجمی وجود ندارد، اما برخی نظریه‌ها می‌توانند اهمیت این رابطه را مشخص نمایند، به طوری که جیمز مک کی^۶ بیان می‌کند هویت شناسی قومی یک نوع وفاداری حاشیه‌ای است که می‌توان آن را برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی به وجود آورد (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۳ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۱). رایل و مایرز^۷ (۲۰۰۴: ۲۰۶) نشان دادند که هویت قومی تنها متغیری است که به طور قابل ملاحظه‌ای معنویت، تکلیف درسی، اوقات فراغت، عشق و دوستی را پیش‌بینی نموده است. تورس^۸ (۲۰۰۳: ۵۳۲) بیان می‌کند افراد به طور مثبت درباره قومیت خود صحبت و از نظر فرهنگی فعالیت‌های همخوان با هویت قومی خویش از قبیل صحبت کردن به زبان مادری در منزل و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی مربوط به فرهنگ خود را مورد بحث قرار می‌دهند. بنابراین، می‌توان گفت که عشق و دوستی در پژوهش رایل و مایرز (۲۰۰۴: ۲۰۶) و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در پژوهش تورس (۲۰۰۳: ۵۳۲) از ویژگی‌های افراد دارای ارزش‌های اجتماعی بالا است. در بعد ارتباط هویت قومی با ارزش‌های سیاسی نیز می‌توان اشاره کرد که برخی از ویژگی‌های افراد دارای هویت قومی شامل اختلافات قومی و برتر جلوه دادن قومیت

1. Rotheram & Phinney
2. self-identification
3. sense of belonging
4. attitudes towards one's group
5. Ontai-Grzebik & Raffaelli
6. James Mckay
7. Rayle and Myers
8. Torres

خویش، استفاده از زبان مشترک و حتی شیوه لباس پوشیدن مشترک است (گیدنز، ۱۳۷۶: ۳۲۸ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۲) که خود نشان می‌دهد که افراد دارای هویت قومی مشترک، دوست دارند بر اساس این ویژگی‌ها شناخته شوند و سعی می‌کنند که به ارزش‌های سیاسی از طریق برجسته نمودن احساس برتری قومیت خود نسبت به دیگر قومیت‌ها، علاقه بیشتری نشان دهند و همان‌طور که برتون (۱۳۸۰: ۲۳۵ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۲) بیان می‌کند افراد دارای هویت قومی خود را متمایز از دیگران می‌دانند که خود دلیلی بر احساس برتری و قدرت به عنوان ویژگی ارزش‌های سیاسی در آنان است.

سنخیت فرهنگی به ادراک دانشجویان از سازگاری بین فرهنگ آنها و فرهنگ دانشگاه اطلاق می‌شود (گلوریا و رابینسون کارپیوس^۱، ۱۹۹۶: ۵۳۳). عدم سنخیت فرهنگی زمانی اتفاق می‌افتد که ارزش‌ها و اعتقادات دانشجویان با ارزش‌های دانشگاهی متناقض است (اورزاکو، ۲۰۰۷). گلوریا و رابینسون کارپیوس (۱۹۹۶: ۵۳۳) بیان کردند زمانی که سازگاری فرهنگی بین ارزش‌های شخصی و دانشگاه را درک کنند، احتمال بیشتری دارد که در دانشگاه بمانند. پژوهش‌ها به ارتباط سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی اشاره نکرده‌اند، اما بررسی‌های مرتبط نشان می‌دهد که افرادی که دارای سنخیت فرهنگی بالایی هستند و به عبارتی، بین فرهنگ شخصی خود و فرهنگ دانشگاهی آنان هماهنگی وجود دارد، دوست دارند بیشتر در دانشگاه بمانند و علاقه زیادی به خانواده و دوستان خویش دارند (یانگ، ۱۹۹۲: ۳۴۱). همچنین لانگو (۱۹۹۵: ۳۳) نشان داد دانشجویانی که سازگاری بالایی بین فرهنگ خانوادگی و دانشگاهی دارند، تعامل اجتماعی بیشتری با سایر دانشجویان، حتی بعد از فارغ التحصیلی دارند که این امر ارزش‌های اجتماعی آنان را برجسته می‌کند. بنابراین، در دو پژوهش بالا علاقه به خانواده و دوستان (یانگ، ۱۹۹۲: ۳۴۱) و تعامل اجتماعی (لانگو، ۱۹۹۵: ۳۳) که حاصل سنخیت فرهنگی بالا در میان دانشجویان است، از ویژگی‌های افراد دارای ارزش‌های اجتماعی بالا است.

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه هویت قومی و سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان است و از این نظر که در پژوهش‌های قبلی به آن پرداخته نشده است حائز اهمیت است و نتایج آن می‌تواند در برجسته نمودن نقش هویت قومی و سنخیت فرهنگی در ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان مهم واقع شود و با توجه به اینکه در عصر انفجار اطلاعات، تبادل وسیع و سریع اطلاعات و حتی هیجانات در حداقل زمان ممکن صورت می‌گیرد و در چنین موقعیتی طرح جهانی شدن بسیار برای کشورها حائز اهمیت است و مشکل اصلی در این زمینه نفوذ بیگانگان و کشورهای خارجی است، بنابراین، توجه به هویت قومی و سازگاری بین

فرهنگ خانوادگی و فرهنگ دانشگاهی (سنخیت فرهنگی) دانشجویان و نقش آن در ارزش‌های سیاسی و اجتماعی می‌تواند در تعدیل کردن هویت قومی و سنخیت فرهنگی مناسب جهت داشتن ارزش‌های سیاسی و اجتماعی مناسب در بین دانشجویان اهمیت بسزایی داشته باشد.

چارچوب نظری

بر طبق دیدگاه آلپورت (۱۹۶۷: ۱) ارزش غالباً جزء بنیادین نظام فرهنگی محسوب می‌شود و جریان‌ی است که با آن فرد به محیط پاسخ می‌دهد. ارزش‌ها نشان دهنده آموخته‌های هر فرد است و در واقع به زندگی افراد هدف و جهت می‌دهد. ارزش‌ها همانند نگرش‌ها جریاناتی هستند که فرد کسب می‌کند و می‌آموزد و فرد در همان اوایل زندگی خود از محیط زندگی اجتماعی و فرهنگی خود از رفتارهای مطلوب و نامطلوب که پایه اصلی یادگیری را تشکیل می‌دهند، فرا می‌گیرد. جریان رشد ارزش‌ها در واقع درونی کردن ارزش‌های یک جامعه است که از طریق عوامل مهمی از جمله والدین و مربیان و نهادهای اجتماعی مانند خانواده و مدرسه آموخته می‌شود (نقل از سعیدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۶).

طبقه‌بندی آلپورت (۱۹۶۷: ۱) از ارزش‌ها بر اساس طبقه‌بندی ادوارد اشتاینگر است که انسان‌ها را به شش طبقه تقسیم می‌کند. بر این اساس آلپورت ارزش‌ها را به شش قسمت تقسیم می‌کند:

الف) ارزش‌های نظری یا عملی: علاقه شدید به کشف حقیقت از نظر تجربی به صورت فردگرایانه و روشنفکرانه؛

ب) ارزش‌های اقتصادی: تأکید بر ارزش‌های مفید و علمی - اقتصادی؛

ج) ارزش زیباشناسی یا هنری: حداکثر تأکید بر شکل و توازن و لذت بردن از هر تجربه و ارزیابی آن بر حسب ظرافت، تقارن و همنوایی؛

د) ارزش اجتماعی: عشق به مردم، نوع دوستی و انسانگرایی؛

ه) ارزش‌های مذهبی: معطوف به عوامل روحانی، جست‌وجوگر وحدت در تجربه‌ها و علاقه‌مند به درک جهان هستی به عنوان یک کل تقارن و همنوایی و

و) ارزش‌های سیاسی: علاقه به قدرت و نفوذ شخصیتی و شهرت که الزاماً محدود به حوزه سیاست نیست (نقل از سعیدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۶).

به طوری کلی در خصوص هویت قومی سه نظریه کلی وجود دارد که عبارت‌اند از: نظریه کهن‌گرا^۱، نظریه نوگرا^۲ و نمادگرایی قومی^۳ (قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۶-۱۷۳).

1. primordialism
2. Modernism
3. ethno- symbolism

الف) دیدگاه کهن‌گرایی: هویت قومی در دیدگاه کهن‌گرایی، بر پایهٔ تعلقات عمیق و کهن به یک گروه یا یک فرهنگ توصیف می‌شود. این دیدگاه بیشتر به منظور بیان ریشه‌ها و استحکام وابستگی‌های قومی استفاده می‌شود. از نگاه نظریه پردازان کهن‌گرا قومیت‌ها پدیده‌هایی کهن و طبیعی هستند. این نظریه پردازان به جنبه‌های کهن قومیت از قبیل ارتباط میان قومیت و خویشاوندی و نیز روابط قومی عاطفی میان مردمی با اجداد و گاه سرنوشت مشترک تأکید می‌ورزند. به نظر آنان هویت قومی با زمینه‌های مذهبی، نژادی یا زبانی تثبیت شده و به هیچ وجه انعطاف‌پذیر نیست (احدی، ۱۳۸۰ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۳). اصطلاح کهن‌گرایی را نخستین بار ادوارد شیلز^۱ (۱۹۵۷) و سپس کلیفورد گیرتز^۲ (۱۹۶۳) به کار بردند که با رهیافت فرهنگی از قدرت شدید پیوندهای کهن و معطیات وجود انسانی، یعنی سرنوشت خونی، گفتار، رسوم، مذهب و سرزمین که پیوندهای مدنی^۳ دولت مدرن را تهدید می‌کنند، سخن می‌گفتند (اسمیت^۴، ۱۹۹۹ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۳). پیرر ون دن برگ^۵ برخلاف گیرتز و شیلز به جای رهیافت فرهنگی، واحدهای خویشاوندی را هسته اولیه جماعت قومی می‌داند و کهن‌گرایی را بر پایه زیستی قرار می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۳ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۴). واگر کونور^۶، با دیدگاه روان‌شناختی اجتماعی، اعتقاد و ایمان به افسانه‌ها و اجداد مشترک و رابطه خویشاوندی در مفهوم تاریخی- و نه اصل و نسب و خویشاوندی- را اساس اولیه قوم و ملت می‌داند (اسمیت، ۱۹۹۹ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۴).

ب) دیدگاه نوگرایی: طبق این دیدگاه قوم‌ها و ملت‌ها پدیده‌های جدید و ثمره فرایندهای نوینی نظیر سرمایه‌داری و صنعتی شدن هستند. جیمز مک کی^۷ بیان می‌کند که هویت‌شناسی قومی یک نوع وفاداری حاشیه‌ای است که می‌توان برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی به یوه‌های حسابگرانه آن را به وجود آورد (احمدی، ۱۳۸۳ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۴). ابزارگرایان^۸ معتقدند هویت‌های ملی و قومی وسیله منعطفی در دست گروه‌های نخبه رقیب هستند تا در مبارزه کلی بر سر قدرت، ثروت و اعتبار و حمایت توده‌ای به وجود آورند. این گروه قومیت را نه امری داده شده، بلکه پاسخی به اوضاع متحول و دخل و تصرف نخبگان سیاسی می‌دانند که دائماً نخبگان آن را بازتعریف و بازسازی می‌کنند (اوزکرمی، ۱۳۸۳ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۴).

1. Edward Shills
2. Clifford Geertz
3. civil ties
4. Smith
5. Pierer Van Den Berghe
6. Wallker Connor
7. James Mckay
8. instrumentalists

همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۴). براس^۱ مهمترین نظریه‌پرداز این گروه، معتقد است که سیاسی شدن هویت‌های فرهنگی یا خیزش هویت‌های قومی و تحول آنها به ناسیونالیسم، تنها تحت شرایط خاصی صورت می‌گیرد. حس هویت قومی به صورت ذهنی و نمادین، توسط گروه‌های انسانی به کار می‌رود و جنبه‌ای از فرهنگ برای خلق همبستگی درونی و تمایز از دیگر گروه‌ها است (به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

(ج) دیدگاه نمادگرایی قومی: برخی از صاحب‌نظران حوزه مطالعات قومی از جمله آنتونی اسمیت، جان آرمسترانگ، جان هاپینسن و استیون گروسبای با تلفیق دو رویکرد کهن‌گرایی و نوگرایی، انگاره‌ای ترکیبی را پدید آورده‌اند. نظریه‌پردازان نمادگرایی قومی معتقدند که اغلب ملت‌ها، بر اساس پیوندها و سنت‌های قومی و عاطفی بنا شده و به نوبه خود منابع فرهنگی را برای تشکیل ملت‌های بعدی فراهم می‌کنند. این نظریه‌پردازان نشان می‌دهند که سرشت قومی و سنت‌های فرهنگی همچون افسانه‌ها و خاطرات ارزش‌ها و نهادها جوامع صنعتی مدرن را می‌سازند و جوامع دموکراتیک را به سوی ملت‌ها یا جماعت‌های فرهنگی متمایز سوق می‌دهند (اپستین^۲، ۲۰۰۰ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۶). به نظر بارت^۳ (۲۰۰۷) به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۶) هویت‌های قومی دارای ساختار از پیش تعیین شده نیستند، بلکه در طی کنش‌های انتقالی خلق می‌شوند. آرمسترانگ^۴ استدلال می‌کند که گروه‌ها اغلب خود را نه با ارجاع به خصوصیات خویش، بلکه با طرد، یعنی با مقایسه خود با بیگانگان تعریف می‌کنند. بنابراین، هیچ جوهره یا منش ثابتی برای گروه وجود ندارد (به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۶).

از جمله نظریه‌های مهم در خصوص سنخیت فرهنگی نظریه پونتراتو^۵ (۱۹۹۰: ۴۵) است. پونتراتو (۱۹۹۰: ۴۵) بیان می‌کند که در تلاش برای به‌کارگیری دانشجویان جدید و حفظ اقلیت قومی آنان، این مهم است که تشخیص داده شود که فرهنگ غالب (سفید پوست) روی برنامه‌های سفت و سخت^۶، خودمختاری، رقابت و پیشرفت فردی که جهانی نیستند، تأکید می‌کند و بر آن متمرکز می‌شود. از این‌رو، دانشجویانی که سنخیت فرهنگی را تجربه می‌کنند، روی برنامه‌های انعطاف‌پذیر، همکاری و پیشرفت گروهی متمرکز شده و تأکید می‌کنند و در نتیجه، مجبورند یاد بگیرند که فرهنگ خانواده و خویش را همان‌طوری که آنها فرهنگ دانشگاه و محیط آن را طبیعی می‌دانند، برابر نمایند.

1. Brass
2. Epstein
3. Bart
4. Armstrong
5. Ponterotto
6. rigid schedules

بر طبق نظر گلوریا و رایینسون کارپیوس (۱۹۹۶: ۵۳۳) سنخیت فرهنگی زمانی آشکار می‌شود که دانشجویان بین فرهنگ شخصی خویش با فرهنگ دانشگاهی هیچ تناقضی نمی‌بینند. بر طبق این نظریه، زمانی که دانشجویان سنخیت فرهنگی زیادی را ادراک می‌کنند، آنها تصمیم قوی‌تری برای ماندن در دانشگاه دارند (گلوریا و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۰۲)، در حالی که آنهایی که فرهنگ خانگی‌شان با فرهنگ دانشگاهی مخالف و با آن در تعارض است، استرس و مخصوصاً استرس‌های تحصیلی بیشتری را تجربه می‌کنند.

پیشینه تحقیق

در بررسی ارزش‌ها سه پژوهش عمده صورت گرفته است: نواختی مقدم و نریمانی (۱۳۸۵: ۱) نشان دادند که بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با ارزش‌های اجتماعی و سیاسی رابطه معنی‌دار وجود دارد و ارزش‌های اجتماعی و سیاسی دانشجویان پسر بیشتر از دختران و ارزش اقتصادی در دختران بیشتر از پسران بوده است. همچنین کرمانی (۱۳۷۳: ۲) نشان داد که دانشجویان بیشتر از دختران به ارزش‌های اجتماعی و سیاسی علاقه‌مند هستند. سعیدی‌نژاد (۱۳۸۷: ۱) نیز نشان داد که در میان دانشجویان دختر و پسر بین ارزش اجتماعی و سیاسی با از خود بیگانگی و ابعاد آن یعنی احساس انزوا، احساس ناتوانی و بی‌هنجاری همبستگی منفی وجود دارد. پژوهش‌ها در خصوص هویت قومی و متغیرهای مرتبط با آن نشان می‌دهد که هویت قومی مناسب، خنثی‌کننده آثار استرس و رویدادهای منفی زندگی در جوانان است (بومن و هوارد^۱، ۱۹۸۵: ۱۳۴؛ مک‌کرری و همکاران^۲، ۱۹۹۶: ۲۱۸؛ استیونسون^۳، ۱۹۹۴: ۱۹۳) و به عزت نفس و بهزیستی دانشجویان کمک می‌نماید (فینی و آلیپورا^۴، ۱۹۹۰: ۱۷۴).

گوشو^۵ (۲۰۰۶: ۸۵) در پژوهشی با عنوان «رابطه هویت قومی، خودکارآمدی در تصمیم‌شغلی و انتظارات» که درباره ۱۲۸ دانشجو انجام شد، نشان داد که هویت قومی رابطه مثبت و مستقیمی با خودکارآمدی در تصمیم‌شغلی دارد. کاستیلو و همکاران^۶ (۲۰۰۶: ۲۶۷) نشان دادند که ادراک هویت قومی بالا با ادراک منفی از محیط دانشگاه و احساس تعهد پایین نسبت به فارغ‌التحصیل شدن رابطه منفی دارد و زمانی که محیط دانشگاه عوض می‌شود، بین هویت قومی و

1. Bowman & Howard
2. McCreary et al
3. Stevenson
4. Phinney & Alipura
5. Gushue
6. Castillo et al

نگرش‌های دانشجویان رابطه وجود ندارد. اسمیت^۱ و همکاران (۲۰۰۹: ۱۴۵) نشان دادند که هویت قومی-نژادی با عزت نفس تحصیلی، اجتماعی، فیزیکی و رفتاری و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت دارد. همچنین آنها نشان دادند که هویت قومی با درونی کردن ارزش‌ها و رفتارهای خانوادگی رابطه مثبت دارد.

از بعد پژوهش‌های داخلی مربوط به هویت قومی، اکوانی (۱۳۸۷: ۹۹) نشان داد که عرب‌ها نه تنها گرایش بسیاری به هویت ایرانی و اسلامی دارند، بلکه به هویت قومی خود نیز علاقه دارند و منشأ برخی ناهمگرایی‌ها در آنان در شاخص‌های عینی، همچون مشکلات اقتصادی و اجتماعی و به تبع آن «احساس محرومیت نسبی» است. مقدس جعفری و همکاران (۱۳۸۷: ۹۷) نشان دادند که دانشجویان کرد نسبت به همه مؤلفه‌های هویت ملی و هویت قومی پای‌بندی زیادی دارند، اما نسبت به دولت پایبندی کمی نشان می‌دهند و آن را ناشی از نوعی احساس نابرابری (تبعیض و محرومیت) می‌دانند. آنها همچنین نشان دادند که نابرابری اجتماعی در تبیین و پیش‌بینی پایبندی به هویت ملی و هویت قومی، بالاترین سهم را دارد. حاجیانی (۱۳۸۷: ۱۴۳) نشان داد که هویت قومی و هویت ملی هر دو در میان اقوام ایرانی، به طور توأمان، قوت و برجستگی دارند و میان آنها رابطه تعارض‌آمیز و قطبی وجود ندارد و میان ابعاد فرهنگی و اجتماعی هویت قومی و ابعاد فرهنگی (و تا حدودی اجتماعی) هویت ملی رابطه مثبت و قوی برقرار است. اما ابعاد سیاسی این دو نوع هویت با یکدیگر رابطه منفی دارند. بر اساس پژوهش ربانی و همکاران (۱۳۸۸: ۱)، بین هویت ملی و هویت قومی رابطه مثبت و بین متغیر «احساس محرومیت نسبی» و هویت ملی رابطه منفی نسبتاً بالایی وجود دارد و این رابطه با متغیر هویت قومی مثبت بوده است. لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۸: ۴۵) در پژوهش خود نشان دادند که بین احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی، میزان اعتماد به قوم، پایبندی به هنجارهای قومی، تحصیلات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رضایت از نظام سیاسی، مشارکت در امور سیاسی و احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی با هویت قومی رابطه معنی‌دار دارند.

در خصوص پژوهش‌های مربوط به سنخیت فرهنگی، فراتحلیل کوینتاننا و همکاران^۲ (۱۹۹۱: ۱۵۵) در مورد سازگاری دانشجویان با تحصیلات بالاتر آشکار کرد که مشکلات و ناراحتی دانشجویان با فرهنگ دانشگاه با نمرات بالای استرس مرتبط بوده است، با این پیشنهاد که استرس زمانی ناشی می‌شود که دانشجویان فاصله بیشتری را بین فرهنگ خانگی خود و فرهنگ دانشگاه ادراک می‌کنند.

تأثیر سودمند سنخیت فرهنگی در مطالعه گلوپیا و همکاران^۱ (۲۰۰۵: ۲۰۲) بر بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان آشکار شده است. آنها نشان دادند که سنخیت فرهنگی به طور معنی‌داری بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند. علاوه بر این، دانشجویانی که سنخیت فرهنگی بالایی را ادراک کرده بودند، تمایل داشتند که موانع تحصیلی کمتری را که به ترک تحصیل و افت تحصیلی آنان منجر شده بود، گزارش کنند و آنهایی که چالش‌های آموزشی کمتری را گزارش کرده بودند، تمایل داشتند بیشتر در دانشگاه بمانند. گذشته از این، دانشجویانی که سنخیت فرهنگی بالایی را گزارش کرده بودند، تمایل داشتند که از دیدگاهی فعال، مثبت و با برنامه استفاده نمایند و ادراک مثبتی از دانشگاه داشته باشند. همچنین اوزارکو (۲۰۰۷: ۱) نیز نشان داد که سنخیت فرهنگی سهم عمده‌ای در پیش‌بینی تاب‌آوری و تحمل استرس‌ها در میان دانشجویان داشته است.

فرضیات پژوهش

۱. بین هویت قومی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
۲. بین سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
۳. بین هویت قومی، سنخیت فرهنگی و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش پیمایشی است. زیرا در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. در این پژوهش هویت قومی و سنخیت فرهنگی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان به عنوان متغیرهای ملاک در نظر گرفته شده است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش را کل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه تشکیل دادند که بالغ بر ۱۵ هزار نفر بودند. نمونه آماری این پژوهش بر اساس فرمول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) به دست آمده است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$s = \frac{z^2 N_p (1-p)}{d^2 (N-1) + Z^2 p(1-p)}$$

$S =$ حجم نمونه. $Z =$ مقدار متغیر نرمال با توجه به ضریب اطمینان $1-a$ که در شرایط سطح

اطمینان $0/95$ معادل $1/96$ است. $N =$ حجم جامعه. $p =$ نسبت افرادی که دارای صفتی معین هستند که معادل آن $0/5$ در نظر گرفته می شود. $D =$ مقدار اشتباه مجاز که اغلب $0/05$ است. (به نقل از خویی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۳۳۲). براساس این فرمول حجم نمونه در این پژوهش به صورت زیر محاسبه می شود:

$$s = \frac{(1/96)^2(15000 \times 0/5)(0/5)}{(0/05 \times 0/05)(15000 - 1) + (1/96)^2(0/05 \times 0/05)} = \frac{14406}{37/4975} = 384/087$$

بنابراین، حجم نمونه در این پژوهش ۳۸۴ نفر بود، اما به دلایل مختلف از جمله افت آزمودنی‌ها و غیره نمونه این پژوهش را ۴۴۴ نفر از دانشجویان دانشگاه تشکیل دادند که با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین دانشجویان دختر و پسر در رشته‌های مختلف انتخاب شدند. به این صورت که از بین رشته‌های مختلف تحصیلی ۷ رشته انتخاب و در هر رشته ۲ ورودی به صورت تصادفی انتخاب شدند و کل دانشجویان هر ورودی به عنوان نمونه انتخاب شدند. در نهایت ۳۲ پرسشنامه به دلیل تکمیل ناتمام حذف و از نمونه پژوهشی خارج شدند و به همین دلیل نمونه پژوهش به ۴۱۲ نفر تقلیل یافت.

ابزارهای گردآوری داده‌ها: در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده

شد:

الف) پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: این پرسشنامه شامل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از جمله سن، جنس، وضعیت تأهل، سال ورود به دانشگاه، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی بود.

ب) مقیاس هویت قومی: این مقیاس را فینی و همکاران (۲۰۰۵: ۳۷) ساخته‌اند و دارای ۱۰ گویه است. مقیاس مذکور دارای دو زیر مقیاس است: زیر مقیاس اول دارای ۵ گویه است و جست‌وجوی هویت قومی را می‌سنجد. مقیاس دوم دارای ۵ گویه است و اثبات، تعلق و تعهد قومی را می‌سنجد. آزمودنی به هر آیتم با یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافق) پاسخ می‌دهد. با توجه به یافته‌های فینی و همکاران (۲۰۰۵: ۳۷) این مقیاس در اکثر فرهنگ‌ها جواب می‌دهد؛ زیرا گویه‌های آن به صورت کلی برای تمام فرهنگ‌ها و قومیت‌ها طراحی شده است. در پژوهش فینی و همکاران (۲۰۰۵) ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه $0/90$ ذکر شده است. در پژوهش قاسمی (۱۳۸۸: ۵۴) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس $0/78$ گزارش شده است و پایایی دونیمه‌سازی آن $0/54$ بوده است. همچنین قاسمی (۱۳۸۸: ۵۴) بین هویت قومی با بی‌هنجاری ($I = -0/17$)، احساس انزوا ($I = -0/195$) و از خودبیگانگی ($I = -0/135$)

($r=$) رابطه منفی به دست آورد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۱ به دست آمد.

ج) مقیاس سنخیت فرهنگی: این مقیاس را گلوریا و رابینسون کارپیوس (۱۹۹۶: ۵۳۳) ساخته‌اند. این مقیاس ادراک سازگاری و سنخیت فرهنگی بین ارزش‌های دانشگاه و ارزش‌های دانشجویان را می‌سنجد و دارای ۱۳ گویه است. آزمودنی به هر گویه با یک مقیاس ۴ درجه ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافق) پاسخ می‌دهد. گلوریا و کارپیوس (۱۹۹۶: ۵۴۶) آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند و در پژوهش گلوریا و همکاران (۲۰۰۵: ۲۲۰) آلفای کرونباخ این مقیاس برابر با ۰/۸۶ بوده است. در پژوهش قاسمی (۱۳۸۷: ۵۴) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس برابر با ۰/۷۱ بوده است و نشان داده شده که بین سنخیت فرهنگی با بی‌هنجاری و احساس انزوا به عنوان دو زیر مقیاس از خودبیگانگی رابطه منفی وجود دارد. در پژوهش قاسمی (۱۳۸۸: ۱) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس برابر با ۰/۷۱ بوده است و پایایی آن از طریق دونیمه سازی ۰/۶۱ بوده است. همچنین قاسمی (۱۳۸۸: ۱) نشان داد که بین سنخیت فرهنگی با بی‌هنجاری ($r=-0/117$) و احساس انزوا ($r=-0/111$) رابطه منفی وجود دارد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۷۹ به دست آمد.

د) پرسشنامه سلسله مراتب ارزش‌ها: این پرسشنامه را آلپورت، ورنون و لیندزی (۱۹۶۶: ۱۲) به نقل از سعیدی‌نژاد، (۱۳۸۸: ۴۰) ساخته‌اند. کل پرسشنامه دارای ۴۵ سؤال بوده و دارای ۶ زیر مقیاس ارزش‌های نظری یا عملی، اقتصادی، زیباشناختی (هنری)، اجتماعی، مذهبی و سیاسی است. سؤالات این آزمون دو بخش دارد. در بخش اول آزمودنی به سؤالات (۳۰ سؤال اول) پاسخ بله و خیر می‌دهد و در بخش دوم (۱۵ سؤال دوم) از بین چهار گزینه هر سؤال یکی را انتخاب خواهد کرد. در این پرسشنامه آلفای کرونباخ برای هر دو قسمت آزمون به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۱ ذکر شده است. در این پژوهش زیر مقیاس ارزش‌های سیاسی و اجتماعی که هر کدام دارای ۹ سؤال است بررسی شده است. در پژوهش سعیدی‌نژاد (۱۳۸۷: ۴۰) ضریب آلفای کرونباخ این دو زیر مقیاس به ترتیب برابر با ۰/۷۱ و ۰/۷۸ به دست آمده است.

روند اجرای پژوهش: این پژوهش در سال ۱۳۸۹ انجام شده است. نحوه اجرای پژوهش به این صورت بود که بعد از انتخاب نمونه آماری پژوهشگران به دانشکده‌های محل تحصیل دانشجویان مراجعه نموده و براساس رشته انتخاب شده، از هر رشته از بین ورودی‌های مختلف، دو ورودی ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ را به صورت تصادفی انتخاب نموده و تمام دانشجویان آن ورودی در پژوهش شرکت داده شدند و پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. در نهایت تعداد ۴۴۴ پرسشنامه جمع‌آوری شد و از این تعداد ۳۲ پرسشنامه به دلیل تکمیل نشدن یا تکمیل ناقص حذف شدند و در نهایت داده‌های مربوط به ۴۱۲ دانشجو با نرم افزار SPSS-16 و با استفاده از آزمون‌های

آماري همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری با روش ورود و آزمون آنالیز واریانس چندعاملی (مانوا) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی نشان داد که ۵۹/۲ درصد دانشجویان مؤنث و ۴۰/۸ درصد مذکر، ۱۴/۸ درصد دانشجویان مجرد و ۸۳/۴ درصد متأهل بوده‌اند و ۱/۸ درصد وضعیت تأهل خود را ذکر نکرده بودند. همچنین ۴۹/۲ درصد دانشجویان ورودی ۱۳۸۷ و ۵۰/۷ درصد ورودی ۱۳۸۸ بودند. از نظر مقطع تحصیلی ۸۱/۷ درصد دانشجویان در مقطع کارشناسی و ۱۸/۳ درصد در مقطع کاردانی مشغول به تحصیل بودند. از نظر رشته تحصیلی نیز ۱۴/۳ درصد دانشجویان در رشته روان‌شناسی، ۱۴/۵ درصد در رشته علوم تربیتی و ۱۴/۵ درصد در رشته شیمی، ۱۴/۸ درصد در رشته فیزیک، ۱۴/۲ درصد در رشته مدیریت بازرگانی، ۱۳/۴ درصد در رشته معماری و ۱۴/۳ درصد در رشته آموزش زبان انگلیسی مشغول به تحصیل بوده‌اند. از نظر وضعیت سنی ۵۱/۲ درصد دانشجویان ۱۸ تا ۲۰ ساله، ۳۹/۶ درصد ۲۱ تا ۲۳ ساله و ۴/۸ درصد دارای سن ۲۳ سال به بالا بوده‌اند و ۴/۴ درصد سن خود را ذکر نکرده بودند. میانگین سنی دانشجویان مؤنث $20/24 \pm 2/26$ و میانگین سنی دانشجویان پسر $21/65 \pm 2/26$ بوده است.

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار هویت قومی، سنخیت فرهنگی و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان به تفکیک جنسیت

متغیر	مؤنث		مذکر		کل	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف معیار
هویت قومی	۳۶/۸۲	۴/۱۶	۳۶/۳۴	۴/۲۹	۳۶/۶۳	۴/۲۲
الف) جست‌وجوی هویت قومی	۱۸/۲۵	۲/۲۲	۱۸/۳۹	۲/۳۸	۱۸/۱۵	۲/۲۸
ب) تعهد و تعلق به گروه قومی	۱۸/۵۷	۲/۶۰	۱۷/۹۵	۲/۴۴	۱۸/۴۸	۲/۵۵
سنخیت فرهنگی	۳۵/۱۳	۳/۶۴	۳۴/۱۶	۴/۸۳	۳۴/۷۴	۴/۱۹
ارزش‌های سیاسی	۳۶/۶۸	۴/۷۸	۳۸/۲۲	۴/۸۱	۳۷/۴۵	۴/۸۱
ارزش‌های اجتماعی	۳۴/۹۰	۳/۱۸	۳۵/۹۳	۲/۸۵	۳۵/۴۱۵	۲/۸۵

جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پیش‌بین و ملاک را به تفکیک جنسیت در دانشجویان نشان می‌دهد. در کل نشان داده شده است که میانگین هویت قومی دانشجویان ۳۶/۶۳، سنخیت فرهنگی ۳۴/۷۴، ارزش‌های سیاسی ۳۷/۴۵ و ارزش‌های اجتماعی ۳۴/۴۱۵ بوده است.

جدول ۲ خلاصه نتایج همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه هویت قومی و سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان

همبستگی پیرسون		متغیرهای پیش بین
متغیرهای ملاک		
ارزش‌های اجتماعی	ارزش‌های سیاسی	
۰/۳۱۷**	۰/۴۵۳**	هویت قومی
۰/۲۹۴**	۰/۴۰۳**	الف) جست‌وجوی هویت قومی
۰/۳۰۱**	۰/۳۸۸**	ب) تعهد و تعلق به گروه قومی
۰/۳۸۲**	۰/۳۸۵**	سنخیت فرهنگی
** p < ۰/۰۱		

در جدول ۲ نشان داده شده است که بین هویت قومی ($r=0/453$)، جست‌وجوی هویت قومی ($r=0/403$)، تعهد و تعلق به گروه قومی ($r=0/388$) و سنخیت فرهنگی ($r=0/385$) با ارزش‌های سیاسی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین هویت قومی ($r=0/317$)، جست‌وجوی هویت قومی ($r=0/294$)، تعهد و تعلق به گروه قومی ($r=0/301$) و سنخیت فرهنگی ($r=0/382$) با ارزش‌های اجتماعی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد ($p < 0/01$).

جدول ۳ نتایج رگرسیون چندمتغیری با روش ورود برای پیش‌بینی ارزش‌های سیاسی و اجتماعی از طریق هویت قومی و سنخیت فرهنگی در دانشجویان

p	T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیرهای پیش-بین	متغیرملاک
		Beta	Std. Error	B		
۰/۰۰۱	۶/۱۹۹	-	۲/۰۹۵	۱۲/۹۸۸	(Constant)	ارزش‌های سیاسی
۰/۰۰۱	۷/۶۶۵	۰/۳۵۶	۰/۰۵۵	۰/۴۰۶	هویت قومی	
۰/۰۰۱	۵/۲۴۲	۰/۲۴۴	۰/۰۵۳	۰/۲۸۰	سنخیت فرهنگی	
توجه: ($R=0/505$ و $R^2=0/255$, $ADJ R^2=0/252$)						
۰/۰۰۱	۱۷/۹۵۴	-	۱/۳۰۶	۲۳/۴۵۴	(Constant)	ارزش‌های اجتماعی
۰/۰۰۱	۴/۰۲۷	۰/۱۹۷	۰/۰۳۳	۰/۱۳۳	هویت قومی	
۰/۰۰۱	۶/۲۱۴	۰/۳۰۴	۰/۰۳۴	۰/۲۰۷	سنخیت فرهنگی	
توجه: ($R=0/422$ و $R^2=0/178$, $Adj.RS=0/174$)						

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد با توجه به مقدار R^2 هویت قومی و سنخیت فرهنگی تقریباً ۰/۲۵ واریانس نمرات ارزش‌های سیاسی ($p=0/001$ و $F(2,411)=70/154$) و تقریباً ۰/۱۷

واریانس نمرات ارزش‌های اجتماعی ($p=0/001$ و $F_{(2,411)}=44/355$) را تبیین نموده است. بنابراین، با توجه به مقدار بتا و سطح معنی‌داری به ترتیب هویت قومی ($Beta=0/356$) و سنخیت فرهنگی ($Beta=0/244$) ارزش‌های سیاسی و به ترتیب سنخیت فرهنگی ($Beta=0/304$) و هویت قومی ($Beta=0/197$) ارزش‌های اجتماعی دانشجویان را پیش‌بینی نموده است ($p>0/01$).

نتایج جدول ۲ و ۳ حاکی از تأیید فرضیه ۱ است یعنی «بین هویت قومی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد». از آنجا که تا زمان انجام این پژوهش، هیچ پژوهشی به رابطه هویت قومی با ارزش‌های سیاسی دانشجویان نپرداخته است نمی‌توان این نتیجه را با یافته‌های قبلی همخوان دانست. اما می‌توان گفت که این یافته می‌تواند تأییدی بر نظریه جیمز مک‌کی باشد که بیان می‌کند هویت قومی در دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی مهم است (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۳ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۱). همچنین می‌توان گفت چون افراد دارای هویت قومی، هویت قومی خویش را برتر جلوه می‌دهند و معمولاً دارای زبان و شیوه لباس پوشیدن مشترک هستند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۳۲۸ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۲)، بنابراین همین ویژگی‌ها می‌تواند دلیلی بر اهمیت دادن به ارزش‌های سیاسی در آنان باشد. در توجیه این یافته می‌توان گفت چون هویت قومی به عنوان احساس تعلق به یک گروه قومی است و بخشی از تفکرات، استنباط و احساسات رفتاری است که ناشی از عضویت در یک گروه قومی است (روت‌رام و فینی، ۱۹۸۷: ۱۳). بنابراین، می‌تواند ارزش‌های سیاسی دانشجویان را تحت تأثیر قرار دهد و به احتمال زیاد این ارزش‌ها در سایه گروه قومی و تعلق به آن گروه و ارزش‌های سیاسی آن گروه قومی معنی پیدا خواهد کرد. زیرا، دانشجویان دوست دارند خود را بر اساس ارزش‌های سیاسی فرهنگ و گروه قومی خود ارزیابی نمایند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت چون افرادی که هویت قومی بالایی دارند اختیارات و تعهدات‌شان نسبت به یک هویت قومی را جست‌وجو می‌کنند (اونتای-گرزیگ و رافالی، ۲۰۰۴: ۵۶۱)، اعضای گروه خود را به خوبی می‌شناسند، ارزیابی‌های مثبت از گروه‌شان دارند، احساس خوبی راجع به عضویت‌شان در گروه دارند و سنت‌های قومی را حفظ می‌کنند (فینی، ۱۹۹۱: ۱۹۵). بنابراین، از نظر سیاسی ارزش‌های قومی خود را حفظ می‌نمایند و همیشه گروه قومی‌شان از نظر سیاسی و داشتن ارزش‌های سیاسی مثبت، از گروه‌های قومی دیگر بالاتر می‌دانند و این امر به پایبند بودن آنها به ارزش‌های سیاسی مرتبط با قومیت‌شان کمک می‌نماید. به عبارت دیگر، چون هویت قومی، به طور قابل ملاحظه‌ای با عزت نفس بالا در دانشجویان مرتبط است (آدامز، شیا و فیچ، ۱۹۷۹: ۲۲۳، فینی و الیپورا، ۱۹۹۰: ۱۷۴)، بنابراین جست‌وجوی هویت قومی و تعهد و تعلق به گروه قومی و داشتن نگرش مثبت نسبت به هویت قومی خود باعث می‌شود که دانشجویان دید مثبتی نسبت به خود داشته باشند و همین امر

باعث می‌شود که آنان خود را بر اساس ارزش‌های سیاسی فرهنگ و هویت قومی خود ارزیابی کنند. به عبارت دیگر، چون هویت قومی مثبت اثرات استرس و رویدادهای منفی زندگی را کاهش می‌دهد (بومن و هوارد، ۱۹۸۵: ۱۳۴؛ مک‌کری و همکاران، ۱۹۹۶: ۲۱۸؛ استیونسون، ۱۹۹۴: ۱۹۳) و آثار منفی محیط تبعیض‌آمیز دانشگاه را تعدیل نموده و توانایی فرد را جهت انطباق با آن محیط تبعیض‌آمیز بهبود می‌بخشد (میلر، ۱۹۹۹: ۴۹۳؛ سلرز و شلتون، ۲۰۰۳: ۱۰۷۹). بنابراین، این امر باعث می‌شود که دانشجویان دارای هویت قومی متفاوت، موفقیت‌ها و پیشرفت‌های آکادمیکی خود را به فرهنگ و هویت خود نسبت دهند (آرلانو و پادایلا، ۱۹۹۶: ۴۸۵) و از این نظر و از نظر سیاسی و فرهنگی خود را بالاتر از فرهنگ‌های قومی دیگر دانسته و به آن افتخار می‌کنند. همچنین می‌توان گفت دانشجویان دارای هویت قومی مثبت می‌دانند که نه تنها هویت قومی‌شان به عنوان مانعی برای حرفه و موفقیت‌های آکادمیکی عمل نمی‌نماید، بلکه در عوض به عنوان منبعی از انگیزه برای دانشجویان عمل می‌کند (بولینگتون و آربونا، ۲۰۰۱: ۱۳۹)، بنابراین، ارزش‌های سیاسی خود را در جهت رسیدن به اهداف سیاسی-اجتماعی قومیت و فرهنگ خود رشد می‌دهند و از این جهت احساس موفقیت می‌کنند.

با توجه به رابطه هویت قومی با ارزش‌های اجتماعی، می‌توان گفت که این نتیجه در جهت یافته‌های رایل و مایرز (۲۰۰۴: ۲۰۶) مبنی بر نقش هویت قومی در پیش‌بینی عشق و دوستی و تورس (۲۰۰۳: ۵۳۲) مبنی بر رابطه هویت قومی با مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی قرار دارد؛ زیرا عشق و دوستی در پژوهش رایل و مایرز (۲۰۰۴: ۲۰۶) و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در پژوهش تورس (۲۰۰۳: ۵۳۲) از ویژگی‌های افراد دارای ارزش‌های اجتماعی است. بنابراین، در توجه این یافته می‌توان گفت که افراد دارای هویت قومی بالا که خود را متعلق به قومیت و گروه قومی خویش می‌دانند، برای ارزش دادن به هویت قومی و قومیت خویش سعی می‌کنند ارتباط مناسب و درستی با دیگران داشته باشند و این امر را به عنوان افتخار قومی خویش می‌دانند. به عبارت دیگر، دانشجویان دارای هویت قومی بالا سعی می‌کنند از طریق ارتباط با دیگران و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، ارزش و اعتبار هویت قومی خویش را ارتقا بخشند و جهت رسیدن به این هدف در صدد هستند که ارزش‌های اجتماعی خویش را حفظ نمایند و از طریق آن به مردم علاقه نشان می‌دهند، کمک به دیگران را سرلوحه کار خویش قرار داده و سعی می‌کنند افرادی مهربان، یاری‌دهنده و متواضع باشند (آپورت، ۱۹۶۷: ۲۴ به نقل از سعیدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۷).

همچنین نتایج جدول ۲ و ۳ حاکی از تأیید فرضیه ۲ است یعنی «بین سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد». بنابراین، می‌توان گفت که این نتیجه در جهت یافته‌های یانگ (۱۹۹۲: ۳۴۱) قرار دارد که نشان داد افرادی که دارای سنخیت فرهنگی بالایی هستند و به عبارتی، بین فرهنگ شخصی خود و فرهنگ دانشگاهی آنان

هماهنگی وجود دارد علاقه زیادی به دیگران دارند. همچنین این نتیجه می‌تواند تأییدی بر یافته‌های لانگو (۱۹۹۵: ۳۳) باشد که نشان داد دانشجویانی که سازگاری بالایی بین فرهنگ خانوادگی و دانشگاهی دارند، تعامل اجتماعی بیشتری با دیگران دارند. اما چون پژوهش‌های مرتبط به ارتباط سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی دانشجویان اشاره نکرده‌اند، نمی‌توان این نتیجه را با یافته‌های قبلی مقایسه کرد.

با توجه به رابطه سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی دانشجویان، می‌توان گفت که دانشجویان دارای نمره بالا در سنخیت فرهنگی که بین فرهنگ شخصی و فرهنگ دانشگاهی تناقضی نمی‌بینند، مشکل دانشگاهی‌ای را که باعث پیشرفت‌های تحصیلی و دانشگاهی آنان شود، احساس نمی‌کنند و از طریق بها دادن به تحصیل و فعالیت‌های تحصیلی، سعی می‌کنند به غرور و افتخار فرهنگی خویش ارزش دهند که خود این امر می‌تواند دلیلی بر اهمیت دادن به ارزش‌های سیاسی در آنان باشد. زیرا دانشجویانی که بین فرهنگ شخصی و دانشگاهی هیچ مشکلی نمی‌بینند سعی می‌کنند از محیط دانشگاه و اساتید و دانشجویان دیگر در جهت حل مشکلات تحصیلی، استفاده نمایند و از طریق همین موفقیت تحصیلی سعی می‌کنند بر دیگران نفوذ داشته باشند. مثلاً یک دانشجویی کرد به دلیل اینکه بین فرهنگ خویش و دانشگاه تناقضی نمی‌بیند. بنابراین، سعی می‌کند ابتدا در جهت فعالیت‌های تحصیلی تلاش کند، زیرا موفقیت خویش را موفقیت فرهنگ خویش دانسته و به تبع آن می‌تواند به فعالیت‌های سیاسی لازم در جهت رشد فرهنگ خویش بپردازد و اگر برنامه‌ای یا تفکری سیاسی در جهت رشد فرهنگی در ذهن داشته باشد با هماهنگی اعضای دانشگاه که با او هم فرهنگ بوده، می‌تواند به اهداف خویش که اهداف سیاسی فرهنگ او نیز هست، دست یابد.

از آنجا که در این پژوهش بین سنخیت فرهنگی با ارزش‌های اجتماعی دانشجویان رابطه مثبت معنی‌دار به دست آمد، می‌توان گفت سنخیت فرهنگی به ادراک دانشجویان از سازگاری بین فرهنگ خانوادگی و شخصی آنان و فرهنگ دانشگاه اطلاق می‌شود و عدم سنخیت فرهنگی زمانی اتفاق می‌افتد که ارزش‌ها و اعتقادات دانشجویان با ارزش‌های دانشگاهی متناقض است (گلوریا و رایینسون کارپیوس، ۱۹۹۶: ۵۳۳). بنابراین، دانشجویانی که بین فرهنگ خویش و دانشگاه هماهنگی می‌بینند، به دلیل تشابه خود با افراد دانشگاهی مخصوصاً دانشجویان، خود را متعلق به دانشگاه و فعالیت‌های اجتماعی و تحصیلی موجود در دانشگاه می‌بینند و همین باعث می‌شود که آنان به امور اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی علاقه داشته باشند. زیرا، داشتن ارتباط اجتماعی و علاقه به مشارکت با دیگران که از ویژگی‌های افراد دارای ارزش‌های اجتماعی است، باعث می‌شود که دانشجویان در محیط دانشگاه با مشکلات ارتباطی مواجه نشوند و به موفقیت خود در زمینه‌های اجتماعی و تحصیلی کمک نمایند. به عبارت دیگر، هرچه دانشجویان فرهنگ شخصی

خود و فرهنگ دانشگاهی‌شان را به هم نزدیک کنند، کمتر احساس می‌کنند که جدا از محیط دانشگاه هستند و کمتر احساس گوشه‌گیری می‌کنند.

جدول ۴ خلاصه نتایج تحلیل واریانس چند عاملی (مانوا) برای مقایسه هویت قومی، سنخیت فرهنگی و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان دختر و پسر

منبع	متغیر وابسته	SS	df	MS	F	Sig (p)	PES (مجذور اتا)
گروه (جنسیت)	هویت قومی	۲۳/۱۷۶	۱	۲۳/۱۷۶	۱/۳۰۵	۰/۲۵۴	۰/۰۰۳
	سنخیت فرهنگی	۹۲/۵۵۳	۱	۹۲/۵۵۳	۵/۳۲۹	۰/۰۲۱	۰/۰۱۳
	ارزش‌های سیاسی	۲۳۶/۸۰۳	۱	۲۳۶/۸۰۳	۱۰/۴۷۹	۰/۰۰۱	۰/۰۲۵
	ارزش‌های اجتماعی	۱۰۶/۷۰۹	۱	۱۰۶/۷۰۹	۱۳/۵۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۳۲
خطا	هویت قومی	۷۲۸۲/۷۴۷	۴۱۰	۱۷/۷۶۳			
	سنخیت فرهنگی	۷۱۲۱/۱۳۷	۴۱۰	۱۷/۳۶۹			
	ارزش‌های سیاسی	۹۲۶۴/۶۹۲	۴۱۰	۲۲/۵۹۷			
	ارزش‌های اجتماعی	۳۲۴۰/۲۳۱	۴۱۰	۷/۹۰۳			

بر اساس نتایج جدول ۴ قبل از انجام تحلیل واریانس چندعاملی برای رعایت پیش‌فرض فرض ماتریس‌های واریانس-کواریانس از آزمون باکس استفاده شد که براساس آن این پیش‌فرض رعایت شده است ($p=0/11$ و $M=6/235$ Boxes). برای رعایت پیش‌فرض برابری واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد که بر اساس نتایج این آزمون شرط برابر واریانس‌ها در متغیرهای هویت قومی ($p=0/722$ و $F=0/13$)، سنخیت فرهنگی ($p=0/17$ و $F=2/115$)، ارزش‌های سیاسی ($p=0/245$ و $F=1/93$) و ارزش‌های اجتماعی ($p=0/14$ و $F=3/44$) رعایت شده است ($Partial\ eta\ Squared=0/045$; $Wilks\ Lambda=0/095$; $F=4/809$ $p=0/001$). سپس تحلیل واریانس چندعاملی گرفته شد. تحلیل هر یک از متغیرهای وابسته به تنهایی، با استفاده از آلفای میزان شده بُنفرونی ($0/0125$) که از تقسیم آلفا ($0/05$) بر تعداد متغیرهای وابسته (4 متغیر) به دست آمده است، نشان داد که دو گروه دانشجویان دختر و پسر از نظر ارزش‌های سیاسی ($p=0/001$ و $F_{(1,410)}=10/479$) و ارزش‌های اجتماعی ($p=0/000$ و $F_{(1,410)}=13/502$) با هم تفاوت معنی‌دار دارند. با توجه به آنکه در SPSS برای دو گروه آزمون تعقیبی امکان‌پذیر نیست، با توجه به میانگین متغیرها می‌توان گفت که میانگین ارزش‌های سیاسی و اجتماعی در دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر بوده است. اما بین میانگین هویت قومی و سنخیت فرهنگی در این دو گروه تفاوت معنی‌دار وجود ندارد.

نتایج جدول ۴ حاکی از تأیید فرضیه شماره ۳ یعنی «بین هویت قومی، سنخیت فرهنگی و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار وجود دارد» از بعد تفاوت ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان است، اما از بعد تفاوت هویت قومی و سنخیت فرهنگی این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفته است. از آنجا که بین نمرات هویت قومی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار به دست نیامد، می‌توان گفت که این نتیجه با یافته‌های قاسمی (۱۳۸۸: ۱) همخوانی دارد که نشان داد بین هویت قومی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. اما با یافته‌های قانع‌راد و همکاران (۱۳۸۶: ۵۸) همخوانی ندارد. زیرا آنها نشان دادند که مردان از هویت قومی بالاتری برخوردارند. به عبارت دیگر، در پژوهش آنها نشان داده شد که زنان در دو بعد آگاهی قومی و رفتار قومی، نمره پایین‌تری نسبت به مردان کسب نموده‌اند. در تبیین این یافته می‌توان گفت هرچند در همه جوامع انسانی، تقسیم بندی دوگانه و فرهنگی زن و مرد باعث شکل‌گیری مجموعه‌ای از پندارها و انگاره‌ها درباره رفتارهای مناسب مردانه و زنانه می‌شود و بر اساس این بخش‌بندی دنیای اجتماعی، پسران و دختران به شیوه‌های متفاوت جامعه‌پذیر می‌گردند (هلمن^۱، ۲۰۰۰: ۱۴۶ به نقل از قانع‌راد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶۸)، ممکن است هویت قومی کمتر به جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی مرتبط باشد. زیرا نشان داده شده است که رشد هویت قومی تحت تأثیر تجربیات خانواده و همسالان، ارزش‌های فرهنگی و سنت‌ها است (کابرا و پادیدا، ۲۰۰۴: ۱۵۲؛ هولران و والر ۲۰۰۳: ۳۳۵؛ اونتای-گریبک و رافائلی، ۲۰۰۴: ۵۶۱؛ تورس، ۲۰۰۳: ۵۳۲) و به متغیر جنسیت اشاره نشده است. بنابراین، می‌توان استنباط کرد که دارا بودن هویت قومی مناسب هم در دانشجویان دختر و هم در دانشجویان پسر به یک میزان مهم است. به عبارت دیگر، دانشجویان دختر و پسر دید یکسانی نسبت به هویت قومی خویش دارند و هویت قومی در میان آنان ارزش یکسانی دارد و متغیر دانشجو بودن می‌تواند عامل مشترکی برای برابری میزان هویت قومی در دانشجویان دختر و پسر باشد.

با توجه به آنکه بین نمرات سنخیت فرهنگی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار مشاهده نشد و با توجه به آنکه در پژوهش‌های داخلی و خارجی به تفاوت سنخیت فرهنگی در میان زنان و مردان اشاره نشده است، در تبیین این یافته می‌توان گفت چون سنخیت فرهنگی به ادراک دانشجویان از سازگاری بین فرهنگ خانوادگی و شخصی آنان با فرهنگ دانشگاه اطلاق می‌شود (گلوریا و رایبسون کارپیوس، ۱۹۹۶: ۵۳۳). بنابراین، دانشجویان دختر و پسر که اغلب بومی هستند، به یک میزان سنخیت فرهنگی را تجربه نموده‌اند. زیرا نزدیکی فرهنگ دانشگاه و فرهنگ خانوادگی آنان به دلیل بومی بودن باعث می‌شود که آنان فرهنگ دانشگاه که چندان تفاوتی با فرهنگ

خانوادگی آنان ندارد را به صورت مثبت ادراک کنند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت وقتی دانشجویان در یک فرهنگ یکدست از نظر زبانی، فرهنگی و اجتماعی زندگی می‌کنند، ادراک آنان از محیط دانشگاه و تفاوت آن با محیط خانوادگی آنان کمتر تحت تأثیر جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی آنان قرار می‌گیرد.

با توجه به بالا بودن میزان ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان پسر نسبت به دانشجویان دختر، می‌توان گفت که این یافته با یافته‌های نواختی مقدم و نریمانی (۱۳۸۵: ۱) همخوانی دارد که نشان دادند ارزش‌های سیاسی و اجتماعی در بین پسران بیشتر از دختران بوده است. همچنین با نتایج کرمانی (۱۳۷۳: ۲) همخوانی دارد که نشان دادند پسران بیشتر از دختران به ارزش‌های اجتماعی و سیاسی علاقه‌مند هستند. از آنجا که نمونه این پژوهش را دانشجویان تشکیل داده‌اند و در جامعه امروزی ما دختران پا به پای پسران و در برخی رشته‌های دانشگاهی حتی بیشتر از پسران در کنکور سراسری پذیرفته می‌شوند، این نکته را به ما نشان می‌دهد که در دنیای امروزی دختران هیچ چیزی از پسران کمتر ندارند و در رقابت با آنان مسائل علمی را درک و تجزیه تحلیل می‌کنند. اما پسران بنا به ویژگی‌های مردانه و اجتماعی بودن نسبت به دختران به علت تعاملات و رفتارهای اجتماعی، ارزش‌های سیاسی و اجتماعی و خصوصیات نظیر قدرت‌طلبی و یاری‌رسانی در آنان بیشتر از دختران است. در توجیه این یافته می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که در طول تاریخ سیاستمداران بزرگ و کسانی که به انقلاب‌ها و ارزش‌های سیاسی، پایبندی بیشتری داشته‌اند، مردان بوده‌اند و بزرگترین سیاستمداران از میان مردانی بوده‌اند که از نظر اجتماعی برجسته‌تر از دیگران بوده‌اند. اما باید در مورد این نتیجه و تعمیم آن با احتیاط عمل شود؛ زیرا، در دنیای امروز زنان پا به پای مردان در فعالیت‌های مثبت فرهنگی-اجتماعی شرکت نموده و حتی در پاره‌ای از موارد از مردان پیش گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر حاکی از رابطه هویت قومی و سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان است و هویت قومی و سنخیت فرهنگی تقریباً ۲۵ درصد از واریانس ارزش‌های سیاسی و ۱۷ درصد از واریانس ارزش‌های اجتماعی را تبیین نموده است. بنابراین، دانشجویان دارای هویت قومی مناسب که درک مناسبی از هماهنگی بین فرهنگ خانوادگی و شخصی با فرهنگ دانشگاهی دارند، نسبت به دیگر دانشجویان که از این امر برخوردار نیستند، بیشتر درصدد هستند که ارزش‌های سیاسی فرهنگ و هویت خود را برجسته نمایند و همین امر باعث می‌شود که آنان جهت بهتر جلوه دادن گروه قومی خود با دیگران مشارکت مناسب داشته باشند و از تعاملات اجتماعی مناسب برای پیشبرد اهداف تحصیلی و دانشگاهی خود استفاده

کنند. همچنین، نتایج تحلیل واریانس چند عاملی نشان داد که ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان پسر و دختر متفاوت است که میانگین این ارزش‌ها در دانشجویان پسر بیشتر بوده است. بنابراین، می‌توان گفت که دانشجویان پسر به دلیل مشارکت بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی (بنا به تفاوت‌های جنسیتی) سعی می‌کنند بیشتر درصدد رسیدن به اهدافی از جمله مشهور شدن، کنترل و نظارت دیگران و انجام فعالیت‌های اجتماعی و داشتن تعاملات اجتماعی مناسب با دیگران هستند که اهمیت ارزش‌های سیاسی و اجتماعی را در آنان نشان می‌دهد. اما به دلیل عدم تفاوت هویت قومی و سنخیت فرهنگی در دانشجویان دختر و پسر می‌توان گفت که ممکن است این متغیر حداقل در دانشجویان به متغیر جنسیت ربطی نداشته باشد. زیرا شرکت کنندگان در این پژوهش از میان دانشجویان بوده‌اند و به دلیل متغیر مشترک دانشجو بودن ممکن است در هویت قومی و سنخیت فرهنگی نمره مشابهی کسب کنند. اما تحلیل، تفسیر و تعمیم این نتیجه باید با احتیاط صورت بگیرد و این نتیجه نیاز به تکرار در پژوهش‌های آتی دارد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش محدود شدن نمونه پژوهش به دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه بوده است که تعمیم نتایج به جامعه دانشجویان را با مشکل مواجه می‌کند. زیرا، متغیرهایی نظیر هویت قومی و سنخیت فرهنگی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی که اغلب بومی هستند، ممکن است متفاوت از دانشجویانی باشد که غیر بومی هستند و بهتر است به این موضوع در پژوهش‌های آینده توجه شود و به انجام چنین پژوهشی در دانشجویان دانشگاه‌های سراسری نیز پرداخته شود. با توجه به این محدودیت، نتایج این پژوهش اطلاعات مهم و معنی‌داری را در خصوص رابطه هویت قومی و سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان و تفاوت این متغیرها در دانشجویان دختر و پسر به دست می‌دهد و بر اساس نتایج پیشنهاد می‌شود که در دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی به فعالیت‌های لازم در جهت رشد هویت قومی مثبت و برخوردار از سنخیت فرهنگی بالا توجه شود تا بتوان ارزش‌های سیاسی و اجتماعی مثبت را در میان دانشجویان ترویج داد و مانع وجود ارزش‌های سیاسی و اجتماعی منفی در آنان شد که این امر از نظر توجه به سلامت روانی- اجتماعی دانشجویان اهمیت ویژه‌ای دارد.

منابع

- اکوانی، سیدحمداالله (۱۳۸۷) «گرایش به هویت ملی و قومی در عرب های خوزستان»، مجله مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۴، ص ۱۲۶-۹۹.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۷) «نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال نهم، شماره‌های ۳ و ۴، ص ۱۶۴-۱۴۳.
- خوی‌نژاد، غلامرضا (۱۳۸۰) روش‌های پژوهش در علوم تربیتی، تهران، سمت.
- ربانی، علی و دیگران (۱۳۸۸) «رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی ایران»، مجله مطالعات ملی، شماره ۱۰، شماره ۳۹، ص ۱-۱.
- سعیدی‌نژاد، حمیدرضا (۱۳۸۷) بررسی رابطه ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با ازخودبیگانگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، گزارش پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- قاسمی، علیرضا (۱۳۸۸) بررسی رابطه هویت قومی و سنخیت فرهنگی با ازخودبیگانگی دانشجویان، گزارش پژوهشی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- قانع‌راد، محمدامین و دیگران (۱۳۸۶) «جنسیت و هویت قومی (نمونه شهر خرم آباد)»، ویژه نامه علوم اجتماعی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۱۵، ص ۵۸-۵۹.
- کرمانی، جبار (۱۳۷۳) بررسی عوامل فشارزای روانی و شناخت علایق و ارزش‌های اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیر شاهد، گزارش پژوهشی، دانشگاه قم.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی و دیگران (۱۳۸۸) «بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز، جامعه‌شناسی کاربردی»، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۰، شماره ۳۳، ص ۷۰-۴۵.
- مقدس‌جعفری، محمدحسن و دیگران (۱۳۸۷) «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد» (مطالعه موردی دانشگاه پیام نور سقز)، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۱، ص ۱۲۶-۹۷.
- نواختی‌مقدم، امین و محمد نریمانی (۱۳۸۵) بررسی رابطه ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با جهت‌گیری مذهبی دانشجویان، گزارش پژوهشی، دانشگاه محقق اردبیلی.

- Adams, G. R., Shea, J. A., & Fitch, S. A (1979). Toward the development of an objective assessment of ego-identity status. *Journal of Youth and Adolescence*, 8, 223- 237.
- Arellano, A.R. & Padilla, A.M (1996). Academic invulnerability among a select group of Latino university students. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 18, 485- 507.
- Bowman, P. J., & Howard, C (1985). Race-related socialization, motivation, and academic achievement: A study of Black youths in three-generation families. *Journal of the American Academy of Child Psychiatry*, 24 (2), 134-141.
- Braithwaite, V (1998). The value balance model of political evaluation. *British Journal of Psychology*, 89, 223-247.
- Bullington, R. L., & Arbona, C (2001). Career development tasks of Mexican American adolescents: An exploratory study. *Journal of Career Development*, 28 (2), 139-106.
- Cabrera, N. L., & Padilla, A. M (2004). Entering and succeeding in the "Culture of College": The story of two Mexican heritage students. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 26 (2), 152-170.
- Castillo, D. J., Conoley, C. W., Choi-Pearson, C., Archuleta, D. J., Phoummarath, M. J., & Van Landingham, A (2006). University environment as a mediator of Latino ethnic identity and persistence attitudes. *Journal of Counseling Psychology*, 53 (2), 267- 271.
- Dryzek, J. S., & Braithwaite, V (2000). On the prospects for democratic deliberation:

- Values analysis applied to Australian politics. *Political Psychology*, 21, 241–266.
- Feather, N. T. (1995). Values, valences, and choice: the influence of values on the perceived attractiveness and choices of alternatives. *Journal of Personality & Social Psychology*, 68, 1135–1151.
- Gloria, A. M., Castellanos, J., Lopez, A. G., & Rosales, R. (2005). An examination of academic nonpersistence decisions of Latino undergraduates. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 27 (2), 202-223.
- Gloria, A.M., & Robinson Kurpius, S. E. R. (1996). The validation of the Cultural Congruity Scale and the University Environment Scale with Chicano/a student. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 18 (4), 533-549.
- Gushue, G.V. (2006). The relationship of ethnic identity, career decision-making self-efficacy and outcome expectations among Latino/a high school student. *Journal of Vocational Behavior*, 68 (1): 85-95.
- Holleran, L. K., & Waller, M. A. (2003). Sources of resilience among Chicano/a youth: Forging identities in the borderlands. *Child and Adolescent Social Work Journal*, 20 (5), 335-350.
- Lango, D. R. (1995). Mexican American female enrollment in graduate programs: A study of the characteristics that may predict success. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 17 (1), 33-48.
- McCreary, M. L., Slavin, L. A. & Berry, E. J. (1996). Predicting problem behavior and self-esteem among African American adolescents. *Journal of Adolescent Research*, 11 (2), 216-234.
- Miller, D. B. (1999). Racial socialization and racial identity: Can they promote resiliency for African American adolescents?. *Adolescence*, 34 (135), 493-501.
- Ontai-Grzebik, L. L., & Raffaelli, M. (2004). Individual and social influences on ethnic identity among Latino young adults. *Journal of Adolescent Research*, 19 (5), 559-575.
- Orozco, V. (2007). Ethnic Identity, Perceived Social Support, Coping Strategies, University Environment, Cultural Congruity, and Resilience of Latina/o College Students. Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy in the Graduate School of The Ohio State University. The Ohio State University, 2007.
- Phinney, J. S. (1991). Ethnic identity and self-esteem: A review and integration. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 13 (2), 193-208.
- Phinney, J. S. (1992). The Multigroup Ethnic Identity Measure: A new scale for use with diverse groups. *Journal of Adolescent Research*, 7 (2), 156-176.
- Phinney, J. S., & Alipura, L. L. (1990). Ethnic identity in college students from four ethnic groups. *Journal of Adolescence*, 13, 171-183.
- Phinney, J. S., Baldelomar, O., & Romero-Alfaro, I. (2005). Conceptualization and measurement of ethnic identity development: Exploration, commitment, and ethnic identity statuses. Manuscript submitted for publication.
- Ponterotto, J.G. (1990). Racial/ethnic minority and women students in higher education: A status report. *New Directions for Student Services*, 52 (1), 45-59.
- Quintana, S. M., Vogel, M. C., & Ybarra, V. C. (1991). Meta-analysis of Latino students' adjustment in higher education. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 13 (2), 155-168.
- Rayle, A. D., & Myers, J. E. (2004). Counseling adolescents toward wellness: The roles of ethnic identity, acculturation, and mattering. *Professional School Counseling*, 8 (1), 206-215.
- Rokeach, M. (1968). Beliefs, attitudes, and values: A theory of organization and change. San Francisco: Jossey-Bass Inc.

- Rotheram, M., & Phinney, J (1987). Ethnic behavior patterns as an aspect of identity. In Children's ethnic socialization: Pluralism and development. Newbury Park, CA: Sage.
- Sellers, R., & Shelton, J (2003). The role of racial identity in perceived racial discrimination. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 1079 – 1092.
- Smith, C.o., Levine, D.V., Smith, E.P., Dumas, J., & Prinz, R.J (2009). A Developmental Perspective of the Relationship of Racial–Ethnic Identity to Self-Construct, Achievement, and Behavior in African American Children. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 15 (2): 145-157.
- Stevenson, H. C (1994). Racial socialization in African American families: The art of balancing intolerance and survival. *The Family Journal: Counseling and therapy for couples and families*, 2 (3), 190-198.
- Torres, V (2003). Influences on ethnic identity development of Latino college students in the first two years of college. *Journal of College Student Development*, 44 (4), 532-547.
- Young, G (1992). Chicana college students on the Texas-Mexico Border: Tradition and transformation. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 14 (3), 341-352.